

## «پژوهش محوری، حلقه مفقوده مرجعیت علمی در دانشگاه‌های ایران»

محمد شیخزاده\*

رسیدن به جایگاه مرجعیت و محل رجوع اهل فن و خبرگان شدن مستلزم سعی و تلاش زیاد و فراهم نمودن زیرساخت‌های مناسب می‌باشد. در این میان پژوهش از اهمیت خاصی برخوردار است؛ مرجعیت علمی نیازمند غور و تعمق در حوزه‌های مختلف علم است که بدون پژوهش محوری، غیر ممکن است. آموزش بدون پژوهش باعث ایجاد نوعی سطحی نگری می‌شود و افراد در سیستم‌های آموزش محور فقط با لایه آشکار و قابل مشاهده آن علم یا تخصص آشنا می‌شوند و از لایه‌های زیرین و بنیادین آن چندان مطلع نمی‌شوند.

در صورتی می‌توان به مرجعیت علمی رسید که در حوزه‌ای از علم عمیق شد و ریشه‌ها و لایه‌های اصلی آن علم را شناسایی کرد. به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما غالباً به آموزش تأکید دارند و چندان به مقوله پژوهش اهمیت نمی‌دهند. چنین سیستمی باعث می‌شود اساتید و دانشجویان صرفاً با مباحث جدید و سطحی در حوزه تخصصی خود آشنا شده و بدون توجه به مبانی و شالوده علم، خیلی سطحی آن را بکار گرفته و به دیگران آموزش دهند. همچنین به دلیل سطحی بودن چنین دانشی، بکارگیری آن در عمل نیز کارایی و اثربخشی مناسبی نخواهد داشت.

در این مقاله به بررسی جایگاه پژوهش در حرکت به سوی مرجعیت علمی خواهیم پرداخت. سپس رویکرد و وضعیت فعلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی کشور را در خصوص پژوهش محوری بیان خواهیم نمود. در پایان مقاله نیز موانع و راهکارهایی جهت نهادینه ساختن فرهنگ پژوهش محوری در کشور، خصوصاً در مراکز دانشگاهی و علمی ارائه خواهیم کرد.

### کلمات کلیدی:

پژوهش، پژوهش محوری، حلقه مفقوده، سیستم آموزشی، مراکز علمی، زیرساخت، فرهنگ

---

\* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تهران

## مقدمه

جنبش نرم‌افزاری، یافتن راه میانبر برای جبران عقب ماندگی علمی است. این اصطلاح از دو کلید واژه مدخل یعنی جنبش و نرم‌افزاری تشکیل شده است. در تبیین این اصطلاح واژه‌های دیگری هم ذکر شده است، مانند مرجعیت علمی، پاسخ به سوالات، تولید اندیشه، نظریه پردازی و مانند اینها. اصطلاح جنبش یا به تعبیر دیگر نهضت، معمولاً زمانی به کار می‌رود که جامعه گرفتار رکود، سکون و ثبات است. لذا نهضت یک نوع حرکت فزاینده است. معمولاً حرکت‌های علمی به دو امور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیازمند هستند. امور سخت‌افزاری عبارتند از: نیازهای لجستیکی مانند ساختمان، وسایل آموزشی و کمک آموزشی. نرم افزار، محتوای علوم و چیزی است که به تولید اندیشه و نظریه پردازی مربوط می‌شود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) بحث جنبش نرم‌افزاری را مطرح کرده‌اند و تولید علم و نوآوری‌های علمی را هدف اصلی ایجاد جنبش نرم‌افزاری دانسته و فرموده‌اند: «در علم و تحقیق نباید به ترجمه و فراگیری اکتفا کرد. در مراکز علمی، تولید دانش باید هدف اساسی باشد.» با توجه به تلاش دارندگان دانش جهانی برای انحصاری کردن علوم و فنون پیشرفته، باید ایران را از محاصره‌ای که کشورهای جهان سوم در آن گرفتار آمده‌اند خارج کنیم و خود را به کاروان پیشرفت علم و دانش برسانیم. رهبر معظم انقلاب اسلامی مساله تولید علم را شامل همه علوم از جمله علوم انسانی می‌دانند و می‌فرمایند: «بر خلاف انتظار، در مورد تولید نظریه و نوآوری علمی در علوم انسانی، حرکت مناسبی در کشور صورت نگرفته است.» ضرورت تحقق جنبش نرم‌افزاری بیان می‌کند که فرآیند علمی موجود در جامعه ما فاقد دو رکن مهم است. یکی روحیه علمی و دیگری نظام سیستماتیک علمی. جنبش نرم‌افزاری یک حرکت علمی اجتماعی است که این دو رکن روحیه علمی و نظام سیستماتیک را به فرآیند تعلیم و تعلم تزریق می‌کند. روحیه علمی روحیه ای است که همراه با اراده فهمیدن، گشودن باب گفتگو، نقادی عالمانه، منطقی و نوآوری است. [۱]

شهید مطهری می‌فرماید: «اگر ما می‌خواهیم دین صحیح داشته باشیم، اگر می‌خواهیم از فقر رهایی یابیم و اگر می‌خواهیم از مرض نجات پیدا کنیم، اگر می‌خواهیم عدالت در میان ما حکمفرما باشد، اگر می‌خواهیم آزادی و دموکراسی داشته باشیم، اگر می‌خواهیم جامعه ما برخلاف حال حاضر به امور اجتماعی علاقمند باشد، منحصرأ راهش علم است و آن هم علمی که عمومیت داشته باشد و از راه دین به صورت یک جهاد مقدس درآید .... امروز دنیا بر پاشنه علم می‌چرخد کلید همه حوایج، علم و اطلاع فنی است. بدون علم نمی‌توان جامعه‌ای غنی، مستقل، آزاد، عزیز و قوی به وجود آورد.» [۲]

اگر آن شهید بزرگوار در حدود چهل سال پیش به این نتیجه رسیده است که اینقدر بحث علم مهم است می‌توانیم در ادامه تحلیل به این نتیجه برسیم که بعد از انقلاب اسلامی ایران که همفکران مرحوم شهید مطهری، انقلاب اسلامی ایران را با رهبری حضرت امام (ره) به پیروزی رساندند؛ الآن به جرأت می‌شود گفت که در نقطه‌ای قرار گرفته‌ایم که بایستی بنیادی‌ترین آسیب خویش را که مانع عمده پیشرفت ما بوده را شناسایی و آن را تقویت کنیم. شاید در تحلیل مقام معظم رهبری در تأکید بر اینکه علم به تولید علم تبدیل شود و آن هم در این مقطع از تاریخ انقلاب اسلامی ایران، باید گفت که ما بر این نکته و نقطه به عقب‌ماندگی گذشته غلبه کنیم و انقلاب اسلامی ایران به وعده‌هایی که داده عمل کند و یا اینکه جز این راهی نیست. به همین جهت شاید اسلام‌گرایان که انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی رساندند در مقطع حساسی قرار گرفته‌اند و به تعبیر شخص مقام معظم رهبری که هدایت انقلاب را به‌عهده دارد امروز به جز این راهی نمانده است. [۳]

#### فقدان نظام آموزشی مبتنی بر پژوهش در کشور

دانشگاه‌ها دارای دو رسالت مهم آموزشی و پژوهشی هستند. آموزش و پژوهش در تولید علم دارای تعامل هستند، یعنی آموزش، پژوهش را به دنبال دارد و پژوهش سطح جدیدی از آموزش را با خود همراه می‌کند. مهمترین اولویت دانشگاه باید آموزش باشد یا پژوهش؟ مساله جنبش نرم‌افزاری و تولید علم این مسؤولیت را بر دوش دانشگاه‌ها گذاشته تا به پژوهش اهمیت بیشتری دهند، بنابراین پژوهش رتبه اول را پیدا می‌کند.

متأسفانه در گذشته بدون اینکه عمده‌ی در کار باشد، امکانات و تسهیلات مادی و معنوی دانشگاه به سمت تولید علم در علوم تجربی سرازیر شده بود و بیشتر امکانات و تسهیلات دانشگاه در این زمینه‌ها هزینه شد که البته نتایج مطلوبی هم داشته است اما در این مسابقه رشته‌های علوم انسانی عقب ماندند و نتوانستند از این امکانات و تسهیلات مادی و معنوی استفاده کنند که دلیلش فقدان امکانات و تسهیلات بوده که اثر نامطوب را به دنبال داشته است. حرکت جدیدی که آغاز شده، به علوم انسانی فرصت می‌دهد که همراه با علوم تجربی در سطح ملی و بین‌المللی کارآمدی خود را به اثبات برساند. [۴]

#### نظام آموزشی کشور محفوظات محور است

تولید علم و آزاداندیشی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق به صورت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت است که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اعمال شود؛ آنچه در این

مختصر قابل اشاره است نمونه‌ای کوچک از موانع فراوانی است که در مسیر نهضت تولید علم و آزاداندیشی موجود است و آن برخی موانع آموزشی از دبستان تا بالاترین سطوح درسی می‌باشد که عبارتند از: نظام آموزشی محفوظات محور، کمی‌نگر، نمره محور، مدرک محور، معلم محور و القاء این امر به دانش‌آموز یا دانشجو که حقایق تنها، اموری است که مهم و در کتاب درسی عنوان شده‌اند؛ در حالی که اگر از همان ابتدا و در سنین پایین، تلاش معلم کشف حقیقت به همراه تعلیم باشد و نگرش نقادانه از طریق معلم به متعلم آموزش داده شود و از متعلم یک پذیرنده صرفاً نزولی انتظار نرود و آنچه به عنوان نمره داده می‌شود صرفاً بالابردن محفوظات نباشد؛ بلکه خلاقیت، ابتکار، نقادی، کشف راههای جدید، داشتن ایده‌های بدیع و... باشد، که این نمونه چند خط از کتاب چهل من کاغذ می‌باشد. [5]

### پژوهش در ایران تنها ابزاری است در خدمت آموزش

در ایران به دلیل فقدان مدیریتی قوی، نظام آموزش عالی مبتنی بر آموزش است و پژوهش تنها به عنوان یک فعالیت جانبی در کنار فعالیت‌های آموزشی مطرح است. نظام آموزش عالی در کشور در واقع یک ساختار مبتنی بر آموزش است که فعالیت‌های پژوهشی به عنوان فعالیت‌های جانبی در کنار آن وجود دارند. در کشورهای اروپایی و آمریکایی این نظام مبتنی بر پژوهش می‌باشد و کارهای آموزشی به موازات آن و در کنار آن دنبال می‌شوند. در واقع آموزش ابزاری است در خدمت پژوهش، در حالی که در ایران دقیقاً بر عکس این شیوه اجرا می‌شود یعنی در کشور ما پژوهش ابزاری است در خدمت آموزش.

بزرگترین مشکل نظام آموزش عالی ما فقدان مدیریت قوی در قسمت‌های مختلف آن است. پژوهش دیر جواب می‌دهد و نیاز به دستگاه و سرمایه اولیه دارد و به همین دلایل است که مدیریت ما نظام مبتنی بر آموزش، که ساده‌ترین راه حل مسئله است را به عنوان نظام آموزش عالی برگزیده است. باید در ساختار آموزش عالی کشور دگرگونی ایجاد شود و ساختار آن تا حد امکان مبتنی بر پژوهش گردد. برای یک دانشور لازم است ابتدا مطالب علمی مورد نظر خود را به صورت عملی ببیند و تجربه کند و بعد به صورت تئوریک به آنها بپردازد. در دانشگاه‌های پژوهش محور (مانند دانشگاه‌های آمریکا و کانادا) کسی که پژوهش نکرده باشد، اجازه رفتن به کلاس برای تدریس را ندارد و تقریباً فقط ۲۵ درصد اساتید حق رفتن به کلاس برای تدریس را دارند. به این ترتیب کلاس حالت کرسی گونه به خود می‌گیرد و درس‌ها شیرین‌تر و جذاب‌تر و دانشجویان عالم‌تر و باسوادتر تربیت می‌شوند. متأسفانه در کشور ما اساتید چنان درگیر مشغله‌های فراوان هستند که فرصت چندانی برای پژوهش ندارند. [6]

## پژوهش در کشور ما بیشتر جنبه تشریفاتی دارد

ما به دلیل اینکه هنوز وارد بازار جهانی و تجارت بین الملل نشده‌ایم و به دنبال کیفیت نیستیم در زمینه فعالیت‌های پژوهشی به ویژه در بخش خصوصی با کمبود فهم پژوهش مواجه هستیم. پژوهش در کشور ما آنطور که باید و شاید مورد توجه نبوده است. با توجه به اینکه دوره های تحصیلات تکمیلی بیشترین توجه را به امر پژوهش دارند و تعداد دانشجویان این دوره ها بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی افزایش چشمگیری یافته و برابر با کل تعداد دانشجویان دانشگاه‌های کشور در قبل از انقلاب شده است، اما هنوز پژوهش در کشور ما به عنوان یک ضرورت شناخته نشده است. پژوهش در کشور ما به خصوص در دانشگاه ها به عنوان یک رکن اصلی پذیرفته نشده و نیاز به این ضرورت هنوز احساس نشده است به همین دلیل در این زمینه سرمایه گذاری مطلوبی صورت نگرفته است.

در کشورهای توسعه یافته و صنعتی پژوهش با صنعت همراه و همگام می باشد به همین دلیل سرمایه گذاری بسیار قابل توجهی از سوی صنایع کشورهای پیشرفته در زمینه پژوهش صورت گرفته است. در این کشورها صنعت همواره پشتیبان پژوهش در دانشگاه هاست. در این کشورها چون سرنوشت صنایع خود را در نتیجه پژوهش های دانشگاهی می دانند، نیاز به پژوهش را احساس کرده اند و به این مقوله اهمیت بسزایی می دهند. اما در کشور ما همیشه دانشگاه باید به دنبال صنعت باشد تا بتواند هزینه های فعالیت های پژوهشی دانشگاه را تامین نماید. ما به دلیل اینکه هنوز وارد بازار جهانی و تجارت بین الملل نشده‌ایم و به دنبال کیفیت نیستیم در زمینه فعالیت های پژوهشی به ویژه در بخش خصوصی با کمبود فهم پژوهش مواجه هستیم. [۷]

## نظام آموزشی کشور، نظامی قدیمی و سنتی است

نظام آموزشی در کشور ما، نظامی قدیمی و سنتی است و برای تبدیل این سیستم قدیمی به نظامی مبتنی بر پژوهش، تغییرات اساسی در قالب نظام آموزشی کشور ضروری است. در حال حاضر نظام آموزشی کشور بیشتر بر آموزش تاکید دارد و همچنان یک سیستم قدیمی و سنتی به حساب می آید. در زمینه پژوهشی کاملاً محدود هستیم. برای اینکه بخواهیم به یک نظام مبتنی بر پژوهش دست پیدا کنیم باید حتماً قالب نظام آموزشی کشور را تغییر دهیم. در غیر این صورت دستیابی به این هدف امکان پذیر نیست. البته در زمینه تغییرات نظام آموزشی کارهایی مثل تغییر کتاب‌های درسی انجام شده که اصلاً کفایت نمی کند. فعالیت‌های پژوهشی در کشور، بیشتر از مقطع کارشناسی ارشد و دکتری شروع می شوند که این زمان خیلی دیر است. در این بین فقط بعضی از افراد که استعدادی در زمینه فعالیت های پژوهشی دارند، با توجه به پتانسیل‌های شخصی خود می توانند موفق باشند.

فرهنگ سازی پژوهشی باید از پایه شروع شود. مثلاً ما می‌توانیم در آموزش‌های دوره دبستان و مقاطع تحصیلی قبل از دانشگاه دروسی را برای آموزش فعالیتهای پژوهشی دانش‌آموزان ارائه دهیم و آنها را به کارهای ابتدایی پژوهشی سوق دهیم. این اقدام سبب رشد و پرورش روحیه پژوهشگری در دانش‌آموزان می‌شود. ضمن اینکه معلمان نیز باید با طی نمودن دوره‌های آموزشی فراگیری شیوه‌های پژوهشی، با آموزش‌های لازم برای تدریس این دروس آماده شوند.

سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمینه پژوهش صورت می‌گیرد، ناچیز است و چندان بهینه و موثر نخواهند بود و بازده پایینی خواهند داشت. سرمایه‌گذاری‌هایی هم که در بخش پژوهش کشور می‌شود، معطوف به مواردی است که چندان ضروری نیستند و این نوع سرمایه‌گذاری، سبب هدر رفتن بودجه‌های پژوهشی کشور می‌شود. در سرمایه‌گذاری برای بخش پژوهش بیش از اینکه به سخت‌افزار توجه شود باید مغزافزار و نیروی انسانی مورد توجه قرار گیرد. سرمایه‌گذاری در زمینه نیروی انسانی و مغزافزار نتیجه بخش‌تر از سرمایه‌گذاری در دیگر بخش‌های پژوهش است و می‌تواند منشأ تحول در نظام آموزشی باشد و به تولید علم منتج گردد. [۸]

#### تفاوتی بین دانشگاه و مدرسه وجود ندارد

تفاوت دانشگاه و دوران پیش از دانشگاه در فعالیت‌های پژوهشی است. اگر فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها کم‌رنگ باشد، دانشگاه، مدرسه‌ی بیش نخواهد بود. در کشور ما در مقاطع پیش از دانشگاه پژوهش محوری بسیار کم‌رنگ است و می‌توان گفت اصلاً وجود ندارد. اما در مقاطع بالاتر مثل دکتری چون بخش بزرگی از مسئولیت‌های علمی به عهده خود دانشجو است، پژوهش محوری بیشتر به چشم می‌خورد. فرق عمده مدرسه و دانشگاه در مقوله پژوهش است که اگر این اصل را از دانشگاه بگیریم دانشگاه به مدرسه تبدیل می‌شود. وضعیت معیشتی نامناسب اعضا هیئت علمی، کمبود استاد در بعضی از دانشگاه‌ها که یک آفت جدی است، محدود بودن امکانات کتابخانه‌ای و اینترنتی و کمبود سرمایه‌گذاری در بخش پژوهش از مهمترین مشکلاتی به شمار می‌آیند که مانع رشد فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها می‌شوند. در سال‌های اخیر جهش‌هایی در دانشگاه‌ها صورت گرفته و تعداد مقالات پژوهشی در مجلات معتبر افزایش داشته است. اما هنوز ایران به جایگاهی که شایسته آن است دست پیدا نکرده و به آن نقطه بهینه نرسیده است. [۹]

## پژوهش در ایران دست به دامن آموزش شده است

وضعیت تحقیق و پژوهش در عرصه علوم انسانی در شرایط فعلی چندان مناسب نیست. در پیش مقدمه اغلب کتاب‌های خارجی، مولف اشاره می‌کند که تحقیق ارائه شده حاصل مثلاً ده سال از تلاش تحقیقاتی وی می‌باشد اما در ایران گاه مشاهده می‌کنیم مولف کتاب آشکارا اذعان می‌کند اثر یا تحقیق وی حاصل ده سال تجربه تدریس او است. این مسأله نشان می‌دهد که یک روند کاملاً معکوس در اینجا جریان دارد و به جای آن‌که تدریس از تحقیق تغذیه کند و بر پایه تحقیق و پژوهش استوار باشد، اساساً تحقیق و پژوهش به قدری ضعیف شده است که برای ادامه حیات خود به آموزش متوسل و وابسته شده است. علیرغم مفید بودن افزایش حقوق اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، این اقدام کافی ندانست. اساتید و اعضای هیات علمی با توجه به شأن اجتماعی‌شان عملاً به لحاظ معیشتی در سطحی نیستند که بتوانند با فراغ خاطر به تحقیق بپردازند و لذا می‌بینیم که این اقدام نتوانسته است اعضای هیات علمی را از فعالیت یا تدریس فراتر از ساعات موظفی باز دارد. باید اقدامات بیشتری در راستای تامین مالی اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی انجام گیرد؛ و در عین حال به گونه‌ای هدایت شده اعضای مذکور به سمت خدمات‌دهی بیشتر در راستای ارائه مشاوره به دانشجویان، تحقیق، بازبینی پایان‌نامه‌های انجام‌شده و دیگر فعالیت‌های علمی موسسه‌های محل عضویت سوق داده شوند. [۱۰]

برخی از اساتید دانشگاه هنوز از اندوخته‌های سال‌های ابتدای زندگی علمی خود استفاده می‌کنند و به جهت فضای حاکم بر دانشگاه‌ها و مشغله‌های کاری زیادی که مشکلات اقتصادی به بسیاری از اساتید تحمیل کرده است، از مطالعات علمی روزآمد و اشراف بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید چه در داخل و چه در خارج بهره‌مند نیستند. سهم استاد راهنما و استاد مشاور در هدایت پایان‌نامه‌ها منطقی نیست بطوریکه برخی از اساتید حتی حاضر به وقت‌گزاری برای مطالعه دقیق بخش‌های مختلف پایان‌نامه‌های دانشجویان خود نمی‌شوند. اگر بخش قابل‌اعتنایی از وقت اساتید به انجام مطالعه و پژوهش و همچنین ارتباط علمی فعال با دانشجویان صرف نشود و روند فعلی ادامه یابد، بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها قربانی کمیت‌گرایی شده و از توانایی نوآوری علمی و مشارکت در نهضت تولید علم برخوردار نخواهند بود. [۱۱]

## سیستم مدیریت پژوهشی در کشور ما بسیار ضعیف است

جوامع موفق در جهان در حوزه‌های مختلف مانند اقتصاد، تجارت، سیاست و ... جوامعی هستند که کلیه امورشان مبتنی بر پژوهش و تحقیق و رعایت کامل اصل اول پژوهش بعد اجرا می‌باشد. پژوهش صحیح منجر به تولید اطلاعات جامع و موثر که بعنوان یکی از مولفه‌های قدرت در جهان امروز می‌باشد، می‌گردد. زیر ساخت‌های پژوهش و به معنای دیگر سیستم مدیریت

پژوهشی که زبان پژوهشگر را به عمل تبدیل نماید در کشور ما بسیار ضعیف است، این امر سبب شده، پیشرفت ما در اکثر مواقع کند و لاک‌پشت مانند پیش رود در حالی که در کشور ما سرمایه‌های عظیم نخبگان داریم. نبود این سیستم نشان دهنده وجود یک بیماری مزمن در ساختار پژوهشی بخش دولتی است که با وجود اینکه بودجه‌های فراوانی در خصوص طرح‌های پژوهشی به تصویب می‌رسد ولی اکثریت آن‌ها به علت وجود این بیماری حداکثر تا ثبت در سازمان ثبت اختراعات و یا ارائه در سمینارها و کنفرانس‌ها پیش می‌رود. و بعد از آن به بایگانی سپرده می‌شود و یا در مراکز خارج کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد و این جز هدر دادن وقت و سرمایه‌های مادی و نیز از بین رفتن انگیزه‌های نخبگان سود دیگری ندارد. ادامه این روش بواقع ما را به ایستایی در نظام پژوهشی می‌کشاند.

از آنجا که از سابقه حیات بخش خصوصی زمانی نمی‌گذرد و این بخش در اقلیت قرار دارد و بزرگی حجم دولت باعث شده است که در اکثر ساختار کشور بخش دولتی حاکم باشد. لذا می‌توان گفت بخش عمده‌ای از نظام پژوهشی کشور به این بیماری مبتلا باشند. از طرفی مراکز پژوهشی دولتی که وظیفه تشخیصی و ارائه راه‌حل‌های درمان این بیماری را دارند به علت ماهیت دولتی آن‌ها که باعث سرایت این بیماری در آن‌ها نیز شده است نمی‌توانند به وظیفه واقعی خود عمل نمایند. گواه این موضوع نبودن سابقه فعالیت منجر به عمل این مراکز در این زمینه تاکنون می‌باشد. [۱۲]

### ما دچار بحران هویت در عرصه پژوهش شده‌ایم

ما امروز دچار بحران هویت در عرصه پژوهش شده‌ایم، نمی‌دانیم که بر روی چه پژوهش کنیم، مشکل و معضل ما چیست، مسئله ما چیست، امروز دانشجوی دکتری در مورد موضوع تحقیق سؤال می‌کند. حتی اساتید هم نمی‌دانند اصلاً چه را باید پژوهش کنند؛ آیا همین علوم انسانی رایج را باید پژوهش کرد؟ چگونه باید نظریه‌پردازی شود و درباره چه چیزی نظریه‌پردازی کنیم؟ امروزه برخی از نظریه‌پردازان ما مطالبی که در غرب هست و همان معضلاتی که آنها داشتند را برای ما مطرح می‌کنند که اصلاً مسئله ما نیست. واقعیت این است که متولیان باید مسائل و معضلات هر رشته‌ای را برای دانشجویان و اساتیدی که جمع فرهیخته‌ای باشند روشن کنند. نوآوری این است که با آن معضل و مشکل زندگی کنیم. مباحثمان را در یک مجمع علمی ارائه می‌دهیم، بررسی و نقد می‌کنند و معضل حل می‌شود. اما الآن نمی‌دانیم معضل چیست.

مدام می‌گوییم باید نظریه‌پردازی کرد، خوب تا مشکل نباشد چگونه؟ بعد اگر معضل علم خودمان را شناختیم باید ببینیم که چرا تفکرات رایج ما از حل آن ناتوان هستند، مشکل آنها

چیست؟ شما بزرگ‌ترین متفکران را ملاحظه کنید، یک معضلی داشتند، دنبال آن بودند و عمر خود را سر آن گذاشتند. دکارت می‌گوید من می‌خواستم یک بنایی در علم تأسیس کنم که قطعی باشد. کانت می‌گوید من در روزگار خودم معضلی داشتم، از یک طرف متد علمی همه جا را گرفته بود، از یک طرف اخلاق، از یک طرف خدا، من می‌خواهم اینها را با هم جمع کنم، من می‌خواهم به بشر امروز بگویم می‌شود خدا و دین و علم با هم جمع شود. خوب این فرد معضل روزگار خود را حل می‌کند. امروز دانشجوی دکتری نمی‌داند چه معضلی دارد و دنبال چه تحقیقی است، لذا باید این معضلات دسته‌بندی شود، روشن شود که ما کجا می‌خواهیم برویم و با این مبانی چه کار می‌خواهیم بکنیم. این علوم انسانی را که از مغرب‌زمین وام گرفته‌ایم، ادامه بدهیم یا علم دیگری بنا کنیم؟ پیش‌فرض‌های آن را مشخص کنیم. ما چه پیش‌فرض‌هایی داریم؟ [۱۳]

### موقعیت کنونی علوم انسانی در ایران

موقعیت کنونی علوم انسانی را اگر بخواهم با آمار سال تحصیلی سال ۸۴-۱۳۸۳ بیان کنیم به این قرار است: گروه‌های تحصیلی به تفکیک رشته تحصیلی علوم انسانی به انضمام گروه هنر، در مقایسه با گروه مهندسی، بیشترین گروه‌های تحصیلی کشور را دارا است. آمار نشان می‌دهد که از تعداد دانشجویان در سال ۸۳ و ۸۴ و ۴۷ درصد علوم انسانی بوده‌اند و ۳ درصد هم هنر که مجموعه علوم انسانی و هنر ۵۰ درصد دانشجویان سال ۸۳ و ۸۴ و بقیه رشته‌ها هم ۵۰ درصد دیگر را تشکیل می‌دادند. برطبق آمار دیگر توزیع تعداد دانشجویان گروه علوم انسانی در سال ۸۳ و ۸۴، ۵۷ درصد می‌باشند. ۳۷ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاهها در این سال تحصیلی در گروه علوم انسانی بودند که اگر گروه هنر را هم به آن اضافه کنیم مجموعاً ۴۱ درصد می‌شود.

مجموعه آمار و ارقام این را نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد دانشجویان را در دانشگاهها، دانشجویان علوم انسانی تشکیل می‌دهند و حدود ۵۰ پژوهشکده علوم انسانی هم در کشور داریم. می‌توانیم این سؤال را مطرح کنیم که موقعیت کنونی علوم انسانی در ایران چگونه است؟ بعد از این آمار و ارقام اگر بخواهیم رضایتمندی خود را اعلام کنیم انتظار می‌رود که رضایت چندانی نداشته باشیم. هرچند که بیشترین گروه‌ها و دانشجویان از آن علوم انسانی هستند ولی در علوم انسانی آنقدر توانمندی نداریم که به تولید علم و خصوصاً نهضتی در تولید علم و به‌طور مشخص در علوم انسانی و معارف اسلامی بیانجامد. [۳]

## غیبت دانشگاه‌های ایران از فهرست ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان

برای سومین سال پیاپی یک موسسه تحقیقاتی در لندن اقدام به انتشار لیست برترین دانشگاه‌های جهان نمود که به نوبه خود مورد توجه بسیاری از دولتها و دست اندرکاران دانشگاهی جهان قرار گرفته است. البته در این لیست به مانند دو سال گذشته اسمی از دانشگاه‌های ایران برده نشده است. در میان ۱۰ دانشگاه برتر جهان اگر چه به مانند دو سال گذشته دانشگاه هاروارد باز هم به عنوان برترین برگزیده شده است، لیکن امسال از اقتدار هر ساله هاروارد کاسته شده و دانشگاه کمبریج انگلستان خود را به راس لیست نزدیک نموده است. برای اولین بار دانشگاه امپریال کالج لندن در میان ۱۰ دانشگاه برتر جهان مطرح شده که البته این به مدد سقوط وحشتناک دانشگاه پلی تکنیک ایکول فرانسه از رتبه دهم به رده سی و هفتم میسر شده است. کمبریج برای اولین بار به رده دوم صعود کرده و ییل نیز خود را به میان پنج دانشگاه برتر رسانده است. در میان ۳۰ دانشگاه برتر جهان علاوه بر انگلیس و آمریکا دانشگاه‌هایی از کشورهای چین، استرالیا، فرانسه، سنگاپور، ژاپن، کانادا و سوئیس به چشم می‌خورند.

هایر اجوکیشن به شیوه رده بندی دانشگاه‌ها پرداخته و جزئیات و رتبه هر دانشگاه را در میان هر یک از شاخص‌ها مشخص نموده است. همکاری با دیگر دانشگاه‌های جهان، سطح علمی کادر دانشگاهی، دارا بودن دانشکده‌های بین المللی، دارا بودن دانشجویان بین المللی، نسبت کارمندان و کادر دانشگاهی به تعداد دانشجویان و تعداد دفعاتی که یک دانشگاه به عنوان منبع علمی از سوی دیگر دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اصول گزینش برترین دانشگاه‌ها بوده است. بر همین اساس ۱۰ دانشگاه برتر جهان به ترتیب شامل، هاروارد، کمبریج، آکسفورد، ام آی تی، ییل، استنفورد، کالیفرنیا، برکلی، امپریال کالج و پرینستون می‌باشد. به نظر می‌رسد در میان ۵۰ دانشگاه برتر آسیا و اقیانوسیه رقابت سنگینی میان کشورهای استرالیا، چین، هنگ کنگ و ژاپن وجود دارد و این در حالی است که در این میان دانشگاه‌هایی از کشورهای سنگاپور، نیوزیلند، کره جنوبی، هند، تایلند، مالزی، تایوان و رژیم اشغالگر قدس نیز حضور دارند. به ترتیب دانشگاه‌های پکن چین، ناتل استرالیا، ناتل سنگاپور، توکیو ژاپن، ملبورن استرالیا، سینگ هوای چین، کیوتو ژاپن، دانشگاه هنگ کنگ و سیدنی و موناخ استرالیا حائز رتبه‌های اول تا دهم قاره آسیا و اقیانوسیه شدند. [۱۴]

## چرا دانشگاه‌های ایران در فهرست دانشگاه‌های برتر دنیا قرار ندارند؟

پژوهش علمی یا برای خود علم انجام می‌شود که منجر به فراهم شدن نیروی انسانی مترقی با ضمیری توانمند و عالم می‌شود که بتواند پشتوانه پژوهش‌های کاربردی و مورد نیاز جامعه

باشد و یا علم برای رفع نیازهای جامعه انجام می‌گیرد که با وجود انسان‌های توسعه یافته علمی و پژوهشی، نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه را برآورده می‌کند. دانشگاهیان با تربیت نیروی انسانی توسعه یافته در سطح جهانی، باید علم کسب شده را به تکنولوژی بومی تبدیل کرده و با هماهنگی مسوولان کشور، صنایع و سازمان‌های اجرایی نسبت به انتقال علم از دانشگاه به جامعه عمل کرده و سیاست سازی صحیحی در این زمینه انجام می‌دهند. دانشگاهیان با به اجرا در آوردن موارد اشاره شده در چشم‌انداز ۱۴۰۴، می‌توانند کشور را به جایگاه بلند اقتصادی و علمی در ۲۰ سال آینده برسانند. با توجه به سند توسعه چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و حرکت در این مسیر و همچنین زمینه‌سازی برای ماندگاری دانشمندان داخلی و بین‌المللی در کشور، توان دانشگاه‌های ایرانی نسبت به بهبود تعاملات علمی در سطح بین‌المللی نمود پیدا می‌کند.

در رده‌بندی دانشگاه‌های برتر جهان ۳۰ درصد از امتیاز به استنادات بین‌المللی به فعالیت‌های پژوهشی دانشمندان در هر دانشگاه داده شده است. این مقالات علمی باید مورد استناد پژوهشگران جهان قرار بگیرند. یکی از عمده جایگاه‌های اطلاع رسانی که می‌تواند مقاله را در دسترس عموم دانشمندان جهان قرار دهد، موسسه ISI است. ۳۰ درصد از امتیاز به میزان جذب بودجه‌های غیر دولتی از بخش‌های خصوصی، به دانشگاه اختصاص داده شده است. ۱۵ درصد از این امتیاز را وجود اساتید بزرگ و دانشجویان بین‌المللی از ملل مختلف جهان برای مرادوات علمی و دریافت جوایز بزرگ علمی در بر می‌گیرند که متأسفانه تاکنون هیچ یک از دانشمندان ایرانی موفق به کسب جایزه علمی نوبل نشده‌اند اما پیشنهاد می‌شود جایزه بزرگ علمی ویژه کشورهای اسلامی راه‌اندازی شود تا اگر اهداء جوایز نوبل در میان تعداد معدودی از کشورها به انحصار در آمده بدین طریق بتوان سایر دانشمندان را نیز در عرصه بین‌المللی مطرح کرد. در کشور باید نسبت به فراهم کردن بستری مطلوب برای تمامی اندیشمندان اقدام شود تا علاوه بر دانشمندان بومی، دانشمندان خارجی نیز از این رهگذر استفاده کرده و در کشور ماندگار شوند. در دانشگاه تهران بیش از ۳۰۰ دانشجوی خارجی و ده‌ها شخصیت بزرگ علمی دنیا حضور پیدا می‌کنند اما به دلیل برخی مشکلات موجود در جامعه استقرار نمی‌یابند. ۱۵ درصد از این امتیاز به کیفیت آموزشی و داشتن منابع و زیرساخت‌های علمی و پژوهشی اختصاص یافته که در این زمینه نیز باید به ارتقای کتب و تالیفات و تغییر در شیوه‌های تدریس از دروس نظری به کاربرد علمی دروس کار کرد. ۵ درصد از امتیاز دانشگاه‌های برتر دنیا به دانشگاه‌های کارآفرین برای فارغ‌التحصیلان خود اختصاص داده شده تا فارغ‌التحصیلان، شغل اجتماعی در شأن خود داشته باشند و در این مسیر راه‌اندازی پارک‌های علم و فناوری بسیار مؤثر است. همچنین ۵ درصد باقی مانده از امتیاز به وجود سایت‌ها و پردیس‌های پر جاذبه دانشگاهی اختصاص یافته است. [۱۵]

بر اساس تازه‌ترین آمار موسسه اطلاعات علمی (ISI)، با افزایش شمار مقالات پژوهشگران ایرانی در رشته‌های مختلف، رتبه ایران از نظر شمار مقالات با یک پله صعود به جایگاه ۴۳ دنیا رسیده و شمار رشته‌های نمایه شده ایران به ۲۱ رشته رسید. بر اساس تازه‌ترین آمار و اطلاعات، شاخص‌های اساسی علم در پایگاه موسسه اطلاعات علمی (ISI) (اول جولای ۲۰۰۶) که گستره ده ساله اول ژانویه ۱۹۹۶ تا ۳۰ آوریل ۲۰۰۶ را در بر می‌گیرد، ۱۱ نفر از پژوهشگران ایران که قبلاً به عنوان محققان برجسته انتخاب شده بودند، توانستند موقعیت خود را حفظ کنند و تعداد مقالات و ارجاعات آنها افزایش یافت؛ همچنین سه موسسه که قبلاً نمایه شده بودند موقعیت خود را حفظ کردند. رتبه ایران در کل رشته‌ها در این گستره، از نظر تعداد مقالات با یک رتبه صعود به جایگاه ۴۳ رسید و از نظر تعداد ارجاعات نمایه شده در رتبه ۴۹ باقی ماند و از نظر نسبت ارجاعات به مقالات - با دو پله تنزل نسبت به دوره گذشته (اول می ۲۰۰۶) - به ۱۳۳ رسید.

در این گستره، حوزه «میان رشته‌ای»<sup>۱</sup> با کسب آستانه ارجاعات لازم توانست نمایه شود و تعداد رشته‌های نمایه شده ایران از ۲۰ به ۲۱ رشته رسید. محققان کشورمان در این حوزه با انتشار ۱۸۵ عنوان مقاله توانستند رتبه چهاردهم جهانی را کسب کنند. در ۲۲ رشته مذکور، از نظر تعداد مقالات، علوم اعصاب و رفتار، علوم گیاهی و حیوانی، طب بالینی، علوم کشاورزی، یک رتبه، اکولوژی و محیط، بیولوژی مولکولی و ژنتیک دو رتبه و شیمی سه رتبه صعود داشتند. از نظر تعداد ارجاعات مهندسی، اقتصاد و تجارت و شیمی یک رتبه و علوم کشاورزی سه رتبه صعود داشتند و از نظر تعداد ارجاعات به مقالات، اقتصاد و تجارت، یک رتبه و مهندسی دو رتبه صعود داشت. تعداد ۱۷ عنوان مقاله پر استناد<sup>۲</sup> و دو عنوان مقاله داغ<sup>۳</sup> از محققان ایرانی در پایگاه اطلاعات علمی ISI نمایه شده که تمام فعالیت‌های پژوهشی این اسناد علمی در داخل کشور انجام شده است. [۱۶]

### موانع تحقق مرجعیت علمی و جنبش نرم‌افزاری در کشور

موانع بزرگ و کوچکی بر سر راه تحقق جنبش نرم‌افزاری و مرجعیت علمی در ایران وجود دارد. برخی از مهمترین آنها به شرح زیر است [۳۱]:

**دولتی بودن پژوهش:** عمده بودجه‌های پژوهشی در ایران را بخش دولتی پرداخت می

کند و به همین دلیل، همه آسیب‌ها و چالش‌هایی که اقتصاد دولتی با آن مواجه است، در

<sup>1</sup> Multidisciplinary

<sup>2</sup> Highly Cited Papers

<sup>3</sup> Hot Paper

پژوهش‌های دولتی نیز به چشم می‌خورد. تحقیقات بخش خصوصی گرچه اکنون معادل صفر نیست ولی فاصله زیادی نیز با آن ندارد. دولت باید بسترسازی و زمینه‌سازی امر پژوهش را برعهده داشته باشد. سودآوری بخش خصوصی ارتباط چندانی با پژوهش ندارد و تصمیم‌گیری مداخله‌گرانه دولت در اقتصاد، مهم‌ترین عامل سودآوری یا ورشستگی بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی است. در چنین فضایی، دغدغه مداخلات سودآور یا زبان بار دولت، فرصتی برای توجه بخش خصوصی به مقولاتی همچون تحقق و پژوهش باقی نمی‌گذارد.

**ضعف نظام حقوقی:** ضعف نظام حقوقی ایران در زمینه حراست از حقوق مالکیت فکری و اختراعات، آنچنان عمیق است که بسیاری از حقوقدانان، حتی قادر به تعریف دقیقی از این حقوق نمی‌باشند. این در حالی است که اگر بخش خصوصی بودجه‌ای برای تحقیق اختصاص دهد، انتظار دارد بتواند مالکیت خود بر محصول این تحقیق را در اختیار گیرد. کسی نمی‌تواند بابت تحقیق خود، از همه نتایج آن بهره‌مند شود. بی‌توجهی به حقوق معنوی محققان از معضلات مهم است. مرکزی وجود ندارد که نظریات محققان را که سال‌ها روی یک مسأله فقهی، کلامی، اصولی، دینی و غیردینی کار و نظریه پردازی کرده ثبت کند تا دیگری آنها را به خودش نسبت ندهد. سرقت‌های علمی در کشور ما به وفور یافت می‌شود. گاه محقق زحمت می‌کشد اما هنوز کتابش چاپ نشده تحقیق او در جای دیگر با نام دیگری مطرح می‌شود.

**مسائل فرهنگی:** به جرأت می‌توان گفت در کشور ما فرهنگ تحقیق وجود ندارد نه در حوزه سیاست و اقتصاد و فرهنگ و جامعه و نه در سطح عامه مردم و خواص و مدیران و سیاستگذاران و تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و مجریان. این امر البته خود ناشی از دلایل متعددی است که مهمترین آنها عدم احساس نیاز به تحقیق به دلیل وجود وابستگی و انحصارات و عدم وجود رقابت از بعد کیفیت و هزینه در همه حوزه‌ها و سطوح است. پژوهش‌های انجام گرفته و در حال انجام کشور بیشتر با تکیه بر فرم صورت می‌پذیرد تا تکیه بر محتوا و بیشتر هدف است تا ابزار. به علاوه آفت بزرگ ما این است که مرعوب رشد کشورهای پیشرفته صنعتی شده و عدم حمایت اصولی مادی و معنوی از ابتکارات و کارهای جدید موجب ناامیدی و دلسردی پژوهشگران ما شده است و این یکی از مشکلات اساسی ماست.

**مشکلات مالی:** از جمله سطح نازل سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی، سطح نازل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در فعالیتهای تحقیقاتی و سطح نازل بهره‌برداری از ظرفیتهای انسانی، مالی و فیزیکی تحقیقاتی. پژوهشگران و فرهیختگان کشور به دلیل نیازهای اقتصادی نمی‌توانند روی موضوع واحدی تمرکز پیدا کنند. در کشورهای توسعه یافته پژوهشگر عمری را روی یک مسأله صرف می‌کند. چنین پژوهشگری برای کارکردن با فراغ بال از نظر اقتصادی

تامین است. تعداد اشتغالات پژوهشگران از مشکلاتی است که ناشی از نیاز مادی است در صورتی که پژوهشگر باید تنها به پژوهش بپردازد.

#### **ضعف ارتباطات:** وجه مشخصه ضعف ارتباطات، نامطلوب بودن ارتباطات میان بخش

تحقیقات با اقتصاد، سیاست، فرهنگ و جامعه، ضعف ارتباط با دنیای پویای علم و فناوری، ضعف مفرط پایگاه‌های اطلاعات و نظام اطلاع‌رسانی و مانند آن است.

#### **ضعف نیروی انسانی:** در این زمینه می‌توان به کمبود تعداد محققان، تساهل در ابداع و

تولید دانش و تحمل نکردن مشکلات برای نیل به نتیجه تحقیق، سطح نازل دانش روز در میان محققان و پژوهشگران، ضعف جایگاه معنوی و اجتماعی محققان و موارد مشابه اشاره کرد.

#### **فقدان اعتماد به نفس:** فقدان اعتماد به نفس و جرات نوآوری از مشکلات امروز ماست.

اعتماد به نفس با فرآیندهایی چون خودپنداره «فردی و جمعی» و عزت نفس «فردی و جمعی» و به عبارتی خودباوری فردی و ملی ارزیابی می‌شود. هر اندازه سطح خودپنداره جمعی بالاتر و درجه آن مثبت باشد، حرکت‌های بنیادین که لازمه رسیدن به اهداف بزرگ است؛ محکم‌تر و با قوت بیشتری صورت می‌پذیرد. مضافاً اینکه در این مسیر، توان رویارویی با مخالفت‌ها و ناملازمات طبیعی و تصنعی در انسان افزایش می‌یابد. این اقدام تربیتی، وظیفه همه کسانی است که در فضای فرهنگی و آموزشی کشور به انحاء مختلف اشتغال دارند. کوشش در جهت ارتقاء سطح خودباوری ملی و خودپنداره کل، دقیقاً حرکتی در جهت عظمت ملی است. بدون این نگاه نمی‌توان به نهضت علمی، تولید علم و بومی کردن علوم فکر کرد؛ کما اینکه بیگانگان کوشش می‌کنند برای حفظ مرجعیت علمی غرب، نوعی رعب و ضعف نفس را به جوانان ملل دیگر القا کنند تا در سایه افول سطح اعتماد بنفس آنها، همواره خود بر جهان، مسلط باشند.

#### **ضعف مدیریت و نظام اداری:** ضعف مدیریت و نظام اداری از بزرگترین مشکلات نظام

پژوهشی ما است که در دو سطح خرد و کلان خود شامل موارد متعددی می‌شود. نظام اداری غیرپویا و مبتنی بر تصمیم‌های قدیمی و نه لزوماً عقلانی، نمی‌تواند فضای مناسب برای رشد تحقیقات را فراهم آورد. وجود نهادهای درعرض یکدیگر، مدیریت اقتدارگرایانه و به حاشیه راندن نخبگان، اداری محور کردن مراکز پژوهشی به جای پژوهش محوری، عدم تخصیص بودجه به صورت نظاممند و هدفمند، حاکمیت قوانین دست و پاگیر اداری و مالی، ناکارایی در مدیریت علمی، عدم تمرکز در سیاستگذاری، تمرکززدایی در اجرا، عدم توجه به اولویت‌ها و نیازهای تحقیقاتی، فقدان نگرش آینده، فقدان نظام نظارت و ارزیابی بر روند توسعه تحقیقات در کشور، فقدان برنامه کلان و جامع پژوهشی و فقدان طرح‌های کلیدی در مراکز پژوهشی و انجام کارهای تکراری از مواردی است که در بخش ضعف مدیریت و نظام اداری می‌توان برشمرد.

**تجربه‌گرایی و تجربه‌ستیزی توأمان:** به نظر می‌رسد که ما هنوز نتوانسته‌ایم نقطه‌ای را تعریف کنیم و تکلیف خود را با پوزیتیویسم و در حالت عام‌تر تجربه‌گرایی روشن کنیم. عده‌ای تحت تأثیر علوم انسانی برگرفته از غرب، جز تجربه‌گرایی راهی نمی‌دانند و بخشی از علوم انسانی قدیمی ما را که خصوصاً در حوزه‌ها وجود دارد یک ستیز جدی با تجربه‌گرایی می‌دانند. اما عدم تعیین اینکه ما چه بخشی از تجربه‌گرایی را در علوم انسانی بگیریم و چه بخشی از آن را نگیریم یا حد لازم برای تجربه‌گرایی در علوم انسانی چقدر است، مانعی جدی تلقی می‌شود. در انتخاب روش‌ها و در اثبات و نفی‌ها یا کاملاً تجربه‌گرا می‌شویم یا به‌شدت تجربه‌ستیز. به نظر می‌رسد که راه انصاف جستن فرمولی میانه است که جایگاه مطلوب ما را تعیین می‌کند. هرچند که ما در عمل نه واقعاً تجربه‌گرا هستیم و نه واقعاً تجربه‌گریز ولی به‌لحاظ نظری، در مباحث خود به‌شدت می‌گوییم و یا به‌شدت اثبات می‌کنیم.

**تقسیم علوم به علوم دینی و غیردینی:** عملاً ما دو نوع علم داریم، اصحاب علوم دینی سایر علوم را به‌دلیل دینی نبودن یا همراه نبودن با پارامترهای دینی و یا شرعی نبودن نفی می‌کنند و اصحاب علوم غیردینی هم علوم دینی را به دلیل غیرنافع بودن، ذهنگرا بودن و غیره نفی می‌کنند. مرحوم مطهری می‌فرماید: «اساساً این درست نیست که ما علوم را به دو دسته دینی و غیردینی تقسیم کنیم، تا این توهم برای بعضی پیش بیاید که علمی که اصطلاحاً علوم غیردینی نامیده می‌شوند از اسلام بیگانه‌اند. جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نافع را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است علم دینی بخوانیم.» لذا به نظر می‌رسد باید بر این عقیده غلبه کنیم، همه علوم با استدلالی که اشاره شد دینی هستند، به دلیل اینکه جامعه ما یک جامعه دینی است، ما در ظرف دین فکر می‌کنیم، ادامه حیات می‌دهیم و می‌میریم، اگر هم راه نجاتی باشد مرحوم مطهری در آن جمله اول فرمود که بحث علم تبدیل شود به جهادی مقدس که همین نهضت تولید علم است.

**عقب‌ماندگی سخت‌افزاری:** در صدر نشست مسئله عقب‌ماندگی سخت‌افزاری در جامعه ما منجر به نتیجه نرسیدن نوبت به تفکر و اهتمام به مسئله عقب‌ماندگی نرم‌افزاری و رویکردی و نگرشی شده است؛ یعنی به‌گونه‌ای طبیعی ما چون به لحاظ سخت‌افزاری احساس عقب‌ماندگی می‌کنیم مهندسی بر صدر می‌نشینند به دلیل اینکه آنها توان این را دارند که بعضی از اشکالات و عقب‌ماندگی‌های جامعه را سریع‌تر پاسخ بدهند و یا رشته‌هایی که با زندگی ملموس ما سروکار دارند، در اولویت قرار می‌گیرند. به این ترتیب سرمایه‌گذاری برای علوم انسانی، اهمیت دادن، و بها دادن به این رشته کم‌تر می‌شود. اگر فردی استعداد خوبی دارد می‌رود دنبال پزشکی، چون ملموس است و بعد از فارغ‌التحصیل شدن کار ملموسی انجام می‌دهد. کم‌استعدادترین افراد ما هم هدایت

می‌شوند به سمت علوم انسانی به دلیل اینکه عقب‌ماندگی زیاد است و فکر می‌کنیم که اولویت‌بندی شده و اولویت اول با مباحث سخت‌افزاری است و باید در این زمینه وارد شویم و علوم انسانی در انتها قرار می‌گیرد. و طبیعی است که وقتی تعداد انسان‌های با ضریب هوشی بالا کمتر وارد علوم انسانی شوند، یک مانع می‌شود.

**عدم باور جدی به اهمیت علوم انسانی:** نه‌تنها توده‌های مردم بلکه اصحاب قدرت، حاکمان و دولتمردان هم در ذهن خودشان به این مسئله قائل نیستند که علوم انسانی بنیاد است و اهمیت حیاتی دارد. آن چارچوب لازم برای اینکه پیشرفت‌های سخت‌افزاری ما جهت درستی داشته باشد و ما را سریع‌تر به نتیجه برساند را علوم انسانی فراهم می‌کند پس آن را باید در صدر نشانند و اجازه داد و یا کمک کرد که آن چارچوب‌ها را فراهم کند.

**مسئله‌محور نبودن علوم انسانی:** ما علوم انسانی داریم ولی علوم انسانی پاسخی به مسائل ملموس نمی‌دهد و یا علاج دردی معین را نمی‌کند. در نتیجه نفعی برای آن حس نمی‌شود و به همین جهت هم جایی برای خودش باز نمی‌کند. این را می‌شود با پزشکی مقایسه کرد که چقدر نفع داشتن می‌تواند باعث رشد یک رشته شود. شاید این‌طور تداعی شود که علوم انسانی برای حرفی طراحی شده است. در نتیجه علوم انسانی انتزاعی می‌شود و غرق در انتزاعیات باقی می‌ماند و ملموس نمی‌شود.

**غیربومی بودن و یا وارداتی ماندن علوم انسانی:** چون علوم انسانی وارداتی است بین اصحاب و عالمان علوم انسانی از یک سو و توده‌های مردم شکاف ایجاد می‌کند. چون یافته‌های آنها با مبنای وارداتی و سکولار و در تضاد با باورها و یافته‌های عینی مردم می‌شود؛ در نتیجه عالمان علوم انسانی معمولاً انسان‌هایی شناخته می‌شوند که باید حرف‌های غیردینی بزنند و کلمات عجیب و غریب بیان کنند و این برای رشد علوم انسانی مانع می‌شود.

**نگرش فلسفی، تاریخی و احساسی بر علوم انسانی:** نگرش فلسفی و تاریخی نوعی، کل‌گرایی و احساسی و شاید بحث شعر و ماندن در لذت‌های احساسی مجالی نمی‌دهد که علوم انسانی بتواند به‌طور جزئی‌تر پاسخگو باشد.

**فقدان تحقیق واقعی در علوم انسانی:** آنچه که ما الآن در علوم انسانی می‌بینیم تحقیق صورت نمی‌گیرد. آنچه که حتی به‌عنوان نظر گاهی مواقع بیان می‌شود یافته‌های فردی مبتنی بر تجربه‌های انباشته شده است که مبنای ادعاهای علمی قرار می‌گیرد، یعنی من در این جامعه زندگی می‌کنم، مجموعه انباشته‌های خودم را تبدیل به یک ادعا و نظریه می‌کنم و بیان می‌کنم. اینکه یک تحقیقی بیست سال صورت بگیرد با یک تیم پنجاه نفری کمتر حوصله و مجال این کار اتفاق می‌افتد، نظریه‌پردازی‌های ما غالباً مبتنی بر تحقیق کوتاه‌مدت و فردی است.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب فوق می‌توان هفتاد مانع و سی راهکار را در مسیر مرجعیت علمی ارائه کرد که عبارتند از [۱۷ و ۱۸]:

### الف: موانع نگرشی

۱. وجود نگاه سطحی و عوامانه به توسعه علم در عرصه علوم انسانی و معارف اسلامی،
۲. قشری‌گرایی و شعارزدگی در بسط آزاداندیشی و شکل‌گیری نهضت تولید علم و نظریه‌پردازی،
۳. تولد نارس علم جدید در ایران با تقلید غلط و یک‌سویه از غرب با ریشه‌ای آموزشی و نه پژوهشی،
۴. تلاش تاریخی جهت نزع و شکوفایی علم در ایران بدون پشتوانه یک علوم انسانی بومی،
۵. مواجهه هم‌زمان تجربه‌گرایی و تجربه‌ستیزی در علوم انسانی،
۶. تقابل علم دینی و علم سکولار،
۷. مقدمه بودن سخت‌افزار بر نرم‌افزار در نگاه کلان مدیریت کشور،
۸. ضعف جدی جایگاه و ارزش علوم انسانی در کشور و عدم باور دولتمردان به کارایی علوم انسانی،
۹. غلبه نگرش فلسفی، تاریخی و احساسی بر علوم انسانی،
۱۰. وجود انتظارات یکسان از علوم انسانی و سایر علوم،
۱۱. فقدان طلب و تقاضا از علوم انسانی (احساس نیاز).

### ب: موانع فرهنگی

۱. فقدان تعامل، ارتباط و همگرایی فعال و مداوم و کار گروهی میان اساتید و محققان در جهت رفع مشکلات و نقایص،
۲. گسست تاریخی و غفلت از هویت ملی - اسلامی،
۳. خودباختگی و غیرپرستی و شیفتگی به نظریه‌ها و دیدگاه‌های غیرخودی،
۴. ضعف اعتماد به نفس و خودباوری علمی در افق ملی،
۵. ضعف شدید تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری در ارتباط با امور مرتبط با علوم انسانی،
۶. سوءاستفاده سیاسی از ساحت علم، (سیاست‌زدگی) و غوغاسالاری،
۷. اسطوره شدن نوابغ و غفلت از جوانان خلاق و نوآور،

۸. حجاب معاصرت و نهفته ماندن جایگاه و ارزش دانشمندان زنده،
۹. غیربومی و وارداتی بودن علوم انسانی،
۱۰. سنت زدگی، کهنه گرایی و میراث پرستی،
۱۱. ضعف شجاعت و البته وجود نوعی ناامنی برای شالوده شکنی و طرح مسائل جدید،
۱۲. شخصیت زدگی و پیرپرستی،
۱۳. فقر شدید سنت نقد، تضارب آراء و پرسشگری،
۱۴. ضعف رسم تکریم و روحیه قدرشناسی و تشویق صاحب نظران،
۱۵. نقد ضعف شکیبایی و انعطاف پذیری لازم در مواجهه با مسائل نوپدید و معارض،
۱۶. برخورد غیرمنطقی با خطای پژوهشگران علوم انسانی برخلاف نحوه برخورد خطاهای پژوهشگران در سایر علوم.

### ج: موانع روش شناختی

۱. مسأله محور نبودن پژوهش در عرصه علوم انسانی،
۲. فقدان توجه به روش شناسی پژوهش و خلط خاستگاه و شأن پژوهش با ترویج،
۳. سردرگمی و ابهام آلودگی روش شناسی تولید علم در علوم انسانی،
۴. بی توجهی به غایت و هدف علوم و دانش ها،
۵. گسست تاریخی روش شناسی علوم مدرن و علوم انسانی و بحران عقلانیت،
۶. کاربردی نشدن علوم انسانی و عدم توجه کافی به پدیده های عینی و سامان مند کردن حیات اجتماعی در پژوهش های علوم انسانی،
۷. مواجهه پژوهش با سکولاریسم روش شناختی،
۸. فقدان طبقه بندی علوم براساس مقتضیات و نیازهای جدید،
۹. عدم تسلط و اشراف بسیاری از محققان جوان بر مجموعه نظریه های علمی،
۱۰. فقدان مبانی بنیادین اندیشه علمی،
۱۱. نقایص معرفتی ناظر به تاریخ تحولات علمی،
۱۲. بدبینی مطلق به پوزیتیویسم و عدم استفاده صحیح از عنصر تجربه در عرصه علوم انسانی،
۱۳. نابسامانی و ضعف کیفیت متون و روش های آموزشی به ویژه در مقاطع عالی.

## د: موانع ساختاری و مدیریتی

۱. فقدان هدف و سیاست‌گذاری دقیق در زمینه نهضت تولید علم و نظریه‌پردازی،
۲. ضعف و ناهماهنگی ساختارها و نیز قوانین و مقررات مربوط به آموزش و پژوهش در عرصه علوم انسانی،
۳. عدم اشراف و اطلاعات روزآمد از نیازهای اساسی و اولویت‌ها،
۴. نگاهی بخشی در تولید علم و فقدان کلان‌نگری و هماهنگی،
۵. ضعف جدی نظام آموزشی در محقق‌پروری و نوسازی روش‌ها و متون آموزشی،
۶. فقدان ارتباط روشمند میان متولیان امور و محققان در عرصه علوم انسانی،
۷. وجود تبعیض و کمبود فرصت‌های برابر برای همه محققان در رشته‌های گوناگون،
۸. فقدان مخازن و شبکه‌های اطلاعاتی کافی،
۹. کم‌کاری رسانه‌های عمومی در تبیین اهمیت و کارآمدی علوم انسانی،
۱۰. کمبود نیروی حرفه‌ای در عرصه پژوهش و سازوکارهای دانش و مهارت افزایی،
۱۱. پایین‌تر بودن شأن پژوهشگر از مدرس در دانشگاه‌ها بر حسب قوانین و مقررات،
۱۲. آیین‌نامه‌زدگی در پژوهش و تبدیل شدن محقق به کارمند،
۱۳. نوسانات دائمی در سیاست‌ها و نگرش‌های وزارت علوم، ناشی از تسلط موسمی جناح‌های سیاسی مختلف بر این وزارتخانه،
۱۴. کمیت‌مداری و حافظه‌محوری در نظام آموزشی کشور (در مقاطع ابتدایی و عالی)،
۱۵. فقدان ارتباط و هماهنگی میان مراکز علمی و پژوهشی و تبادلات تجارب و اطلاعات،
۱۶. فقدان فرصت‌ها و امکانات عادلانه برای انتشار دستاوردهای علمی محققان،
۱۷. ضعف کمی و کیفی مجلات تخصصی علمی - پژوهشی در حوزه علوم انسانی،
۱۸. فقدان برنامه جامع میان‌مدت و یا درازمدت پژوهش در عرصه علوم انسانی،
۱۹. اشتغالات متعدد اعضاء هیأت علمی به‌رغم افزایش حقوق و مزایا،
۲۰. عدم اختصاص موظفی پژوهش برای اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها بر اساس برنامه جامع پژوهش،
۲۱. عدم ارزش‌یابی و قطب‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی بر حسب رشته‌ها و شاخه‌های مختلف علوم انسانی،
۲۲. فقدان سازوکارهای مناسب جهت ساماندهی رساله‌های دکتری در جهت کیفیت‌محوری و پاسخگویی به نیازهای ملی،
۲۳. ضعف ارتباطات و تعاملات بین‌المللی میان دانشمندان علوم انسانی داخلی و خارجی.

## ه: موانع اقتصادی

۱. فقدان معیارهای مشخص برای توزیع عادلانه امکانات و بودجه کافی میان محققان و مراکز پژوهشی،
۲. سهم بسیار اندک علوم انسانی در بودجه پژوهش کشور،
۳. بیماری فرایند عرضه و تقاضا در اقتصاد پژوهش علوم انسانی،
۴. فقدان ضوابط روشن در نحوه هزینه کرد بودجه پژوهشی در عرصه علوم انسانی،
۵. عدم رسیدگی به وضع معیشتی و رفاهی محققان به ویژه استعدادهای درخشان،
۶. کمبود فضاهای فیزیکی استاندارد از جمله کتابخانه‌های تخصصی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی برای پژوهشگران.

## راهکارها

۱. مهندسی و نوسازی نظام آموزش و پژوهش علوم انسانی،
۲. انجام یک مطالعه ملی جهت شناسایی نیازها و اولویت‌های پژوهشی در عرصه علوم انسانی و تکرار سالانه این پژوهش در ابعاد تخصصی‌تر،
۳. تدوین برنامه جامع پژوهش در هریک از رشته‌های علوم انسانی،
۴. ساماندهی و توسعه کمی و کیفی نشریات تخصصی (علمی - پژوهشی) در علوم انسانی و انتشار مجلات معتبر به زبان‌های بین‌المللی جهت برقراری تعاملات بین‌المللی،
۵. ساماندهی و توسعه کمی و کیفی فرصت‌های مطالعاتی محققان در مسیر گسترش ارتباطات بین‌المللی و پاسخگویی به نیازهای ملی،
۶. راه‌اندازی مخازن و بانک‌های اطلاعاتی به‌روز و فعال و نیز توسعه کمی و کیفی فضاهای استاندارد مطالعاتی و کتابخانه‌های تخصصی،
۷. شناسایی سازوکارهای تشویق و تکریم محققان خلاق و نوآور در عرصه علوم انسانی،
۸. تعریف دقیق جایگاه دانشمندان علوم انسانی در برنامه‌های حمایتی بنیاد ملی نخبگان،
۹. پیش‌بینی سازوکارهای اجرایی پایدار جهت گسترش تعاملات علمی حوزه و دانشگاه به‌ویژه در کشف و تدوین فلسفه و روش‌شناسی علوم بومی،
۱۰. تعیین استانداردهای پژوهشی و آموزشی در رشته‌های مختلف علوم انسانی و گسترش کمی و کیفی ارزیابی‌های مختلف نسبت به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی،
۱۱. تأسیس رشته روش‌شناسی و مدیریت پژوهشی در علوم انسانی،
۱۲. برقراری ارتباط و هماهنگی هدفمند و پایدار میان سیاست‌های آموزشی و پژوهشی،

۱۳. فعال‌سازی کرسی‌ها و مجامع علمی جهت ارائه روشمند و آزادانه نظریه‌های علمی،
۱۴. مکلف کردن سطوح مختلف مدیریت کشور به بهره‌گیری از پژوهش در علوم انسانی،
۱۵. توزیع هدفمند، منطقی و عادلانه بودجه پژوهش میان مؤسسات پژوهشی،
۱۶. تلاش برای رشد سهم علوم انسانی در بودجه پژوهش کشور،
۱۷. تعیین تعرفه‌های منطقی برای انواع تحقیقات در علوم انسانی،
۱۸. ایجاد شهرک‌های علمی پیشرفته جهت حمایت گسترده از محققان مستعد و نوآور،
۱۹. بازنگری در مقررات مربوط به اختصاص موظفی پژوهش برای اعضاء هیأت علمی،
۲۰. گسترش کمی و کیفی انجمن‌های علمی در رشته‌های مختلف با حمایت اولیه دولت،
۲۱. ساماندهی رساله‌های دکتری در جهت ارتقاء کیفیت و پاسخگویی به نیازهای ملی،
۲۲. ساماندهی منابع و کتب آموزشی و ارتقاء کیفیت آن براساس استانداردهای آموزشی،
۲۳. دانش و مهارت‌افزایی مدرسان و محققان رشته‌های مختلف در دوره‌های زمانی منظم،
۲۴. تعامل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با رسانه‌های عمومی و وزارت آموزش و پرورش برای ترسیم جایگاه و ارزش علوم انسانی و زدودن بدبینی‌ها نسبت به آن،
۲۵. گسترش تلاش‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها جهت گسترش اعتماد به نفس و خودباوری و انگیزه در میان دانشجویان و اساتید،
۲۶. تأسیس باشگاه‌های علمی برای محققان در رشته‌های مختلف جهت توسعه ارتباطات همکاری‌ها و تعاملات علمی،
۲۷. اصلاح نظامات و ساختارهای توزیع اعتبارات تحقیقات در سطوح ملی،
۲۸. تمرکز بخش مهمی از اعتبارات ملی تحقیقات بر اولویت‌های ملی،
۲۹. حذف مناسبات غیرعلمی و غیرکارشناسی در توزیع و تخصیص هرگونه اعتبار پژوهشی به دستگاهها،
۳۰. تخصیص بودجه تکمیلی به طرف تقاضا به منظور رونق بازار پژوهش و توسعه علمی.

بسط روحیه علمی در جهت ترقی بیشتر و دستیابی به سطوح بالاتر فناوری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تاکید بر گفتمان توسعه علمی در همه زمینه‌های مرتبط با این موضوع می‌تواند این روحیه را به سمت جنبش نرم‌فزاری و تولید علم گسترش دهد. رشد و پیشرفت کشور تنها با تکیه بر نظریه‌پردازی و تولید فکر و ایده امکان‌پذیر است. حرکت در جهت رشد و تولید علمی حق هر ملتی است و کشور ما نیز به دلیل دارا بودن ذهن‌های خلاق و توانمندی‌های

معنوی و فرهنگی که در روحیه خودباوری و وطن دوستی آنان متجلی است، حق خود می‌داند که در این مسیر برای اهداف انسانی گام بردارد. طبیعی است در چنین دنیایی، رشد علمی جوانان ایرانی از سوی طراحان نظم نوین جهانی تحمل نمی‌شود؛ با توجه به تلاش قدرتها برای کنترل چرخه اطلاعات در درون جامعه بین‌المللی، توجه بیشتر به اطلاعات و فناوری ارتباطات، زمینه ساز ایفای نقش شایسته ایران اسلامی در آینده جهان است.

اهمیت اول ناظر به شکستن انحصار علمی در صحنه جهانی است. مجموعه ای از فعالیت‌های انحصارطلبانه و تخریبی دولت‌های استکباری بر ضد ایران نشان می‌دهد که آنان رشد علمی ملل دیگر را بر نمی‌تابند و همواره یافته‌های ناب علمی را برای خویش طلب می‌کنند. مواضع همیشگی آنها نشان می‌دهد که از رشد علمی جوانان ایران اسلامی به سختی بیمناک هستند؛ و این نگرانی را در قالب بهانه‌جویی‌های گوناگون بیان می‌کنند. درحالی‌که به قطع می‌دانند رشد علمی در ایران در خدمت اهداف انسانی و ارزشی بکار می‌رود اما همواره سعی دارند که به دروغ، رشد فناوری در ایران را به مسایل غیرانسانی نسبت دهند. این امر در حالی صورت می‌گیرد که بخش اعظمی از تولید علم در کشورهای استکباری در جهت تجهیز زرادخانه‌های هسته‌ای و شیمیایی برای سرکوب ملت‌ها بکار می‌رود. هجوم سیاسی آمریکا با استفاده از ابزارهای گوناگون دیپلماتیک و غیره به ایران دقیقاً برای آن است که دانشوران ما از حرکت‌های بنیادین علمی دست بردارند و همواره وارد کننده و ترجمه کننده داده‌های علمی آنان باشند. گرچه آنان نظام ارتباطات علمی را بگونه ای طراحی کرده اند که دسترسی به لایه های زیرین اطلاعات علمی، امکانپذیر نباشد. با این طبقه بندی، امکان دستیابی به سطوح عمیق فناوری را از دیگران سلب می‌کنند تا مرجعیت علمی خود را حفظ نمایند.

افزایش سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی می‌تواند نتایج بسیار شایان توجهی در رشد توسعه علمی کشور داشته باشد. هم اکنون سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی ۰/۸ درصد است. این رقم نسبت به رقمی که در قانون بودجه در نظر گرفته شده بود کمتر است. بر طبق قانون بودجه این رقم می‌بایست به ۱/۵ درصد می‌رسید. در پایان برنامه چهارم از محل اعتبارات عمومی ۲ درصد تولید ناخالص داخلی و از محل درآمد عملیات شرکت‌های دولتی و بانک‌ها یک درصد باید به تحقیقات اختصاص یابد که بسیج عمومی را در این زمینه می‌طلبد. سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی در کشورهای پیشرفته ۳ درصد است. همچنین تعداد دانشمندان، محققان و مهندسان شاغل در بخش های تحقیقات و توسعه در پایان برنامه چهارم باید از حدود ۳۳۶ نفر در یک میلیون نفر به ۲ هزار نفر در یک میلیون برسد. [۱]

## منابع و مآخذ:

۱. موسسه خدمات مشاوره‌ای آستان قدس رضوی، پژوهش در ایران: توسعه، تولید علم و جنبش نرم افزاری، نشریه پژوهش، آذر ۸۴، صص ۹-۱۲
۲. شهید مرتضی مطهری، ده گفتار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸
۳. دکتر محمدباقر خرمشاد، موقعیت کنونی علوم انسانی در ایران و موانع زیرساختی، سایت کرسی نظریه پردازی، ۱۳۸۵
۴. آیت الله عمید زنجانی، دانشگاه تهران الگوی دانشگاه‌ها، خبرگزاری ایسنا، شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۸۴
۵. سایت کرسی نظریه پردازی، نظام آموزشی کشور محفوظات محور است، ۱۳۸۵
۶. دکتر گلستانی فرد، نظام آموزشی مبتنی بر پژوهش (۱)، خبرگزاری حوزه و دانشگاه مهر، ۱۳۸۵
۷. دکتر محمد حسین سرور الدین، نظام آموزشی مبتنی بر پژوهش (۲)، خبرگزاری حوزه و دانشگاه مهر، ۱۳۸۵
۸. دکتر معینی، نظام آموزشی مبتنی بر پژوهش (۳)، خبرگزاری حوزه و دانشگاه مهر، ۱۳۸۵
۹. دکتر چوبینه، نظام آموزشی مبتنی بر پژوهش (۵)، خبرگزاری حوزه و دانشگاه مهر، ۱۳۸۵
۱۰. خانم دکتر اعوانی، پژوهش در ایران دست به دامن آموزش شده است، خبرگزاری کرسی نیوز، دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۸۵

۱۱. سید حسین موسوی، اساتید دانشگاه و ضرورت دانش افزایی، سایت کرسی نظریه پردازی، ۱۳۸۵
۱۲. سعید شاهدی پور، سیستم مدیریت پژوهشی در کشور ما بسیار ضعیف است، خبرگزاری فارس، سه شنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۴
۱۳. دکتر محمد محمدرضایی، ما دچار بحران هویت در عرصه پژوهش شده ایم، هم اندیشی دانشوران ۵، سایت کرسی نظریه پردازی، چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۵
۱۴. خبرگزاری فارس، غیبت دانشگاه های ایران از فهرست ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان، دوشنبه ۱۷ مهر ۱۳۸۵
۱۵. دکتر موسوی موحدی، چرا دانشگاه های ایران در فهرست دانشگاه های برتر دنیا قرار ندارند؟، خبرگزاری ایسنا، یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۸۵
۱۶. دکتر یعقوب فتح اللهی، ارتقا رتبه ایران در ISI، خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵
۱۷. حجت الاسلام والمسلمین رضا غلامی، هفتاد مانع و بیست و شش راهکار در مسیر تولید علم، جمع بندی نخستین هم اندیشی دانشوران در باره نهضت تولید علم و نظریه پردازی ویژه علوم انسانی و معارف اسلامی، سایت کرسی نظریه پردازی، ۱۳۸۵
۱۸. دکتر سید محمد اعتمادی، اثربخشی پژوهشی: چالش ها و راهکارها، مجموعه مقالات همایش بهره وری، رشد و توسعه اقتصادی، ۳ و ۴ مرداد ۱۳۸۵.
۱۹. دکتر علی آهون منش، بار دیگر «آموزش و اشتغال»، روزنامه شرق، شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۵
۲۰. سایت کرسی نظریه پردازی به آدرس اینترنتی: [www.korsi.ir](http://www.korsi.ir)